



یادداشت

و عده اجرای قانون کار، ترفندی برای فریب و منحرف کردن مسیر مبارزات کارگران است

صادق کار



بنا به گزارشی که در ۱۲ آبان ماه در خبرگزاری ایلنا منتشر شد حجت‌الله عبدالملکی وزیر کار دولت رئیسی با ارسال به مدیران عامل سازمان‌ها، صندوق‌های بازنشستگی و بانک‌های تابعه "از آنان خواسته است بر "بخشنامه‌ای برای عبدالملکی در این بخشنامه که متن آن در خبرگزاری ایلنا رعایت قانون کار در واحدهای مشمول قانون کار نظارت کنند منتشر شد روی مواد ۴۹ که مربوط به اجرای طبقه بندی ست، تبصره ۴ ماده ۱۳۱ که مربوط به فعالیت تشکلهاست، تبصره ماده ۲۷ کمیته انطباقی و ماده ۹۳ قانون کار که مربوط به حوادث و بیماری‌های شغلی است، تاکید کرده است. در بخشنامه اما چیزی در موارد مهمتری مانند افزایش دستمزد، قراردادهای موقت کار، کار پیمانی، تبعیضات مزدی و جنسیتی، کار کودک، شیوه نامه استاد شاگردی، و پرداخت منظم دستمزدها... گفته نشده. هم از این رو به نظر می رسد همه قانون کار خلاصه شده‌اند در همین چند موردی که در بخشنامه مورد تاکید قرار گرفته‌اند. با این وصف صدور این بخشنامه توسط وزیری که تا چندی پیش حتی حاضر به دادن جواب به درخواست تشکیل جلسه شورای عالی کار از طرف سه تن از اعضای "کارگری" شورا نبود جای تامل دارد. نظارت بر اجرای دقیق قانون کار از وظایف دائمی وزارت کار است. بنا بر این نیازی به صدور بخشنامه ندارد. اما وقتی که وزیر کار بخشنامه صادر می کند و روی اجرای چند ماده از قانون تمرکز می کند، قضیه معنی دار می شود. دادن بخشنامه اذعان به نبود نظارت و قصور وزارت کار از وظیفه ای است که به عهده دارد. اما چرا حالا وزیر کار به یاد وظیفه‌اش افتاده است یک دلیل عمده دارد و آن چیزی نیست جز نگرانی از امواج اعتراضات کارگری و خشم و نفرت به حق کارگران از حکومت و متلاطم شدن جامعه بواسطه اعتراضات کارگری و اجتماعی. وزیر کار با این ترفند و دادن وعده‌های کلی و بدون پشتوانه تلاش دارد از گسترش بیشتر اعتراضات جلوگیری و جهت اعتراضات را از مسیر درست آن منحرف نماید و وقت بخرد. ولی ببینیم به فرض اجرای این وعده‌ها آیا چیزی نصیب کارگر می شود یا خیر.

اجرای ماده ۴۹ قانون کار که بر اجرای طبقه بندی تاکید دارد و یکی از خواسته های سراسری کارگران است، اما با فرض اجرای درست آن بدون اجرای دقیق ماده ۴۱ قانون کار نمی تواند شکاف بین دستمزدها و هزینه های زندگی را پر کند. طرح ماده ۴۹ در واقع برای امتناع از افزایش دستمزدها و دور زدن ماده ۴۱ قانون کار است. این طرح در ماه های گذشته در تعدادی از کارخانه ها و موسسات به اجرا گذاشته شده، اما سبب افزایش چندانی در دریافتی کارگران نشده است. در اکثر جاهایی که این طرح اجرا شده است کارفرمایان با کسر کردن از مزایای دیگر و تغییر در مدت قرار دادها و سابقه کاری کارگران همان مبلغ اندک را پس گرفته‌اند. بهمین جهت لازمه موثر واقع شدن طرح طبقه بندی چهار چیز است که هیچ کدام شان فعلا وجود ندارد و وزیر کار نیز تمایلی برای انجام آنها را ندارد. اجرای ماده ۴۱ قانون کار، لغو و ممنوع کردن قرار دادهای موقت، تشکّل مستقل و اجرای صحیح طرح طبقه بندی

ده ها سال است که ماده ۴۱ قانون کار ظاهرا توسط دولتهای مختلف معیار افزایش دستمزد بوده است، با این احوال نحوه اجرای آن طوری بوده است که سال به سال بر فاصله دستمزد با هزینه های زندگی افزوده و کارگران را به فقر چاه فقر و



فلاکت برده است. هم اکنون به گفته بعضی از وابستگان حکومت دستمزد اکثریت کارگران معادل یک سوم خط فقر است و هزینه های بخور و نمي نه عامدانه نه در بخشنامه اش تاکیدی بر اجرای آن کرده است حتی حاضر به گفتگو بر سر افزایش دستمزد که مهمترین مطالبه کارگران در مقطع کنونی ست هم نیست

مثلی هست که می گوید اول برداریت را ثابت کن بعد از آن ادعای برادری کن. حالا حکایت بخشنامه وزیر کار دولت مدعی "عدالتخواهی است". ماده ۴۱ قانون کار که یکی از مهمترین مواد قانون کار است در بخشنامه وزیر مسکوت گذاشته شده است. این در حالی ست که، چشم و گوشهای وزیر و دولت در تشکلهای کارگری دولتی در همان روز که این بخشنامه منتشر شد در همان خبرگزاری با انتشار گزارشی گفتند، سبد هزینه حداقل های زندگی ۱۱ و نیم میلیون تومان است و دستمزد کارگران تحت پوشش قانون کار به زحمت کفاف ۱۰ روز حداقل مخارج آنان را می دهد. وضع کارگرانی که شامل قانون کار نمی شود و وزیر دور آنها را خط کشیده است، بسیار بدتر از مشمولین قانون هستند و تعدادشان هم بیشتر است. بندهای یک و دو ماده ۴۱ می گوید دستمزدها باید بر اساس نرخ تورم و سبد هزینه های خانوارها تعیین شود. اجرای ماده ۴۱ یعنی اینکه شورای عالی کار حداقل دستمزد را باید به ۱۱ و نیم میلیون که کمتر از هزینه ها هم هست، همین حالا بالا ببرد. چرا نمی برند؟ نمی برند چون قصد فرا افکنی و فرستادن کارگران به دنبال نخود سیاه را دارند. وزیر کار. اول اول این یکی را خودش انجام دهد بقیه پیشکششان

در مورد تاکید وزیر بر اجرای تبصره ۴ ماده ۱۳۱، که هم اکنون در حال اجراست، در واقع تاکید بر جلوگیری از فعالیت تشکلهای سندیکایی مستقل و تقویت تشکلهای وابسته به حکومت است که نقش قسمتی از ماشین سرکوب را ده ها سال است بازی می کنند. کارگران خواستار رفع موانع تشکیل و فعالیت سندیکا ها و تشکلهای مستقل هستند و نه تقویت تشکلهای وابسته به حکومت. از نظر سازمان بین المللی کار نیز تبصره ۴ ماده ۱۳۱، ناقض حق تشکل و مقابله نامه های این سازمان است. آش آنقدر شور شده که سرکردگان شوراهای اسلامی و خانه کارگر بر مستقل نبودن خودشان اذعان دارند و لایحه برای اصلاح شوراهای به مجلس فرستاده اند! اما از آنجا که حکومت در هر حال و شرایط به وجود تشکلهای حکومتی نیاز دارد، قصد تقویت آنها را دارد. بهمین دلیل از این وعده نیز چیزی جز ضرر به کارگران نمی ماسد

کمیته های انضباطی نیز از آنجا که بدون اراده کارفرمایان کسی نمی تواند به عضویت آنها در آید و فاقد استقلال رای و عمل هستند وجودشان به سود کارفرمایان و دولت است. این کمیته ها اکنون هم وجود دارند، ولی کدام یک از آنان جرات ایستادن در مقابل زورگویی ها و اراده کارفرما را دارند. بنا بر این از اجرای تبصره ماده ۲۷ مورد تاکید در بخشنامه وزیر تنها زیان است که نصیب کارگران می شود

اساسا وقتی که قراردادهای موقت حق اخراج را بطور یک طرفه به کارفرما داده نهاد های مثل کمیته انضباطی تنها در خدمت بازگذاشتن بیشتر دست کارفرما در اخراج و مجازات کارگر است

ماده ۹۳ قانون تشکیل کمیته های حفاظتی به منظور نظارت بر رعایت مقررات ایمنی و بهداشتی محل های و جلوگیری از حوادث و بیماری را مد نظر قرار داده است. در شرایطی که کارگاه ها و مراکز تولیدی به قتلگاه کارگران تبدیل شده است نکته ای است که همه وزرای گذشته نیز با وعده ی اجرای آن و کاهش حوادث کارشان را شروع کرده اند و هنگام اتمام وزارت شان بر آن افزوده اند. کاهش حوادث شغلی تنها با صدور بخشنامه و فرمان میسر نمی شود. انجام این مهم مستلزم فراهم کردن الزامات لازمه است، بخشی از الزامات اساسا در اختیار وزارت کار نیست و در دست قاضیان فاسد و پول پرست است که در برخورد با متخلفان به آسانی خود را می فروشنند. وجود تشکلهای سندیکایی مستقل در واحد های صنعتی و تولیدی از الزامات اصلی مقابله با حوادث شغلی و نظارت بر رعایت قوانین مربوطه توسط کارفرمایان ست، که نه وزارت کار تاکنون تن به آن داده است و نه کارفرمایان. مگر همین دو هفته پیشتر نبود که صاحب یک کارخانه سیمان سه مهندس شاغل در کارخانه اش را بخاطر دادن شهادت درست در مورد علت کشته شدن یکی از کارگران و نشان دادن همدردی با کارگران به راحتی آب خوردن از کار اخراج کرد؟ کمیته های حفاظتی هم اکنون نیز در واحدهای بزرگ و متوسط وجود دارند و نتوانسته اند به تنهایی مانع افزایش حوادث و بیماری های شغلی شوند

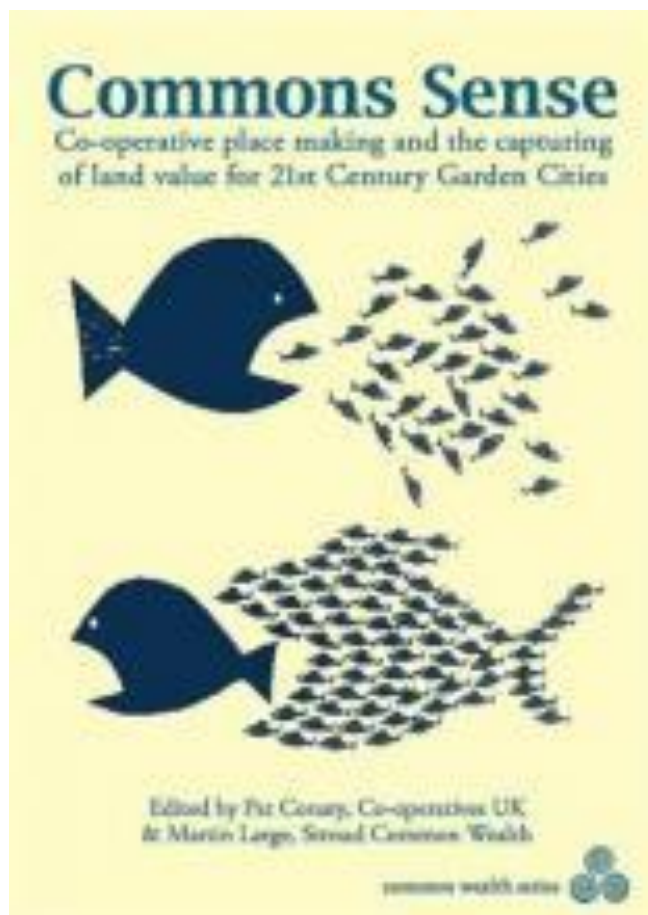
وعده اجرای قانون کار توسط وزیر کار که همواره از طرف دولتها و کارفرمایان در معرض تعرض و تعدیل قرار داشته است، توسط وزیر کار یکی از راستگراترین دولتها که از بنیاد با قانون کار مخالفت ورزیده و مدافع بی حقوق کردن کارگران و نشان دادن مناسبات قرون وسطایی استاد شاگردی به جای قوانین حمایتی بوده و هستند، بواسطه نگرانی حکومت و دولت از گسترش اعتراضات، رشد آگاهی طبقاتی و سیاسی کارگران و منحرف کردن آنان از مسیر درست مبارزه است. کارگران می دانند در شرایط کنونی تنها با گسترش اعتراضات و ایجاد هماهنگی میان اعتراضات کارگری و اجتماعی و ایجاد تشکلهای مستقل است که می توانند به مطالبات شان برسند و این ترفندها خللی در اراده استوار آنان بوجود نخواهد آورد

از مبارزه کارگران و مزدبگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

دستمزد و حق بیمه کارگران باید به موقع و به صورت منظم پرداخت شود!

جنبش تعاونی در قرن ۲۱ بخش سوم

جان کرل



تعاونیهای کارگری در سالهای دهه ۱۸۳۰، در واکنش به نابرابریهای ناشی از درآمد سیستم سرمایه داری و فقر و ناتوانمندی همزمان طبقه کارگر، به یک جنبش مدرن با رسالت اجتماعی گسترده تبدیل شدند. دست (National Trades' Union: NTU) نخستین سازمان ملی (سراسری) کار، یعنی اتحادیه ملی کارگری به ترویج ایده تعاونیهای کارگری زد. در اوایل دهه ۱۸۷۰، مدت کوتاهی پس از خاتمه جنگ داخلی، اتحادیه ملی کارگری دست به بازسازی جنبش تعاونیهای کارگری زد و رسالت آن را صراحت و تیزی بخشید. در اوایل دهه ۱۸۸۰ تعاونیهای کارگری بزرگترین جلوه و تجلی شان در جنبش کارگری را در سازمان شوالیه‌های کار بزرگترین سازمان کارگری جهان در آن زمان، که شبکه‌ای متشکل از ۲۰۰ تعاونی صنعتی را (KOL)- سازماندهی می‌کرد - کسب کردند.

تاریخ مختصر تعاونیها در امریکا

تعاونیهای ارگری در امریکا در اوایل قرن نوزده (۱۸۰۰)، توسط برخی از نخستین اتحادیه‌های کارگری امریکای شمالی سازماندهی شدند. نخستین اتحادیه‌ها در امریکا از دل اصناف بیرون آمدند و از اینرو هم استادکاران و هم شاگردان (کارآموزان) را که ساختار انسانی مرسوم صنایع آن روزگار بود، شامل می‌شدند. این اتحادیه‌ها در اساس سازمانهایی برای کمک متقابل به هم بودند. اما در مرحله بعدی که استادکاران به رؤسا تبدیل شدند، شاگردان از تعاونیها بیرون آمدند و سازمانهای جداگانه‌ای را تشکیل دادند. تحول بعدی این سازمانها بود که به آنچه امروز اتحادیه



می‌نامیم انجامید. آن سازمانها نیز در کمک متقابل به یکدیگر تخصص داشتند. این شاگردان در بسیاری از اعتصابات اولیه اقدام به تشکیل تعاونیهای کارگری می‌کردند؛ گاه اتحادیه‌هایی موقتی برای تقویت خودشان در دوران اعتصاب و گاه اتحادیه‌هایی ماندگار. این واقعیت که بیشتر تولیدات صنعتی هنوز با دست افزارهای نسبتاً ساده صورت می‌یافتد، کار این تعاونیها را تسهیل می‌کرد.

تعاونیهای کارگری در سالهای دهه ۱۸۳۰، در واکنش به نابرابریهای ناشی از برآمد سیستم سرمایه داری و فقر و ناتوانمندی همزمان طبقه کارگر، به یک جنبش مدرن با رسالت اجتماعی گسترده تبدیل شدند. نخستین سازمان ملی (سراسری) کار، یعنی *اتحادیه ملی کارگری* (National Trades' Union: NTU) دست به ترویج ایده تعاونیهای کارگری زد. در اوایل دهه ۱۸۷۰، مدت کوتاهی پس از خاتمه جنگ داخلی، اتحادیه ملی کارگری دست به بازسازی جنبش تعاونیهای کارگری زد و رسالت آن را صراحت و تیزی بخشید. در اوایل دهه ۱۸۸۰ تعاونیهای کارگری بزرگترین جلوه و تجلی شان در جنبش کارگری را در سازمان *شوالیه‌های کار* (KOL) - بزرگترین سازمان کارگری جهان در آن زمان، که شبکه‌ای متشکل از ۲۰۰ تعاونی صنعتی را سازماندهی می‌کرد - کسب کردند. این دوران، دوران تسلط صنعتگران بزرگ موشوم به "بارون‌های دزد"، تنشهای عظیم اجتماعی بود و جنبش تعاونی شوالیه‌های کار در جبهه مقدم این تنشها قرار داشت.

در دوره استعماری (منظور دوران پیش از استقلال است) اولین دولتهای امریکا زیر سلطه بزرگان تاجر و بانکدار و زمینداران بودند. این نخبان تا چند دهه پس از استقلال امریکا، بر دولت فدرال و دولتهای محلی کنترل داشتند. با سلطه فزاینده سیستم سرمایه داری صنعتی در جریان قرن نوزدهم، صاحبان صنایع و راه آهن نیز در اعمال نفوذ بر حکومت برای نیل به منافع خویش به دیگر گروه‌های صاحب امتیاز پیوستند. حکومت به طور کلی، زیر کنترل این نخبان قدرتمند، به منازعات آشتی ناپذیر با جنبش تعاونی برمی‌خاست. کنترل دولتهای ایالات و دولتهای محلی در سراسر قلمرو ملی متفاوت بود و قدرتهای منطقه‌ای برای کسب جایگاهی در قدرت ملی با یکدیگر رقابت می‌کردند. برای کارگران معمولی دموکراسی چیز چندان بیشتری از یک ویتترین نبود. با کارگران صرفاً به عنوان کار ورودی به ماشین اقتصاد رفتار می‌شد. در دوره استعماری، بخش بزرگی از نیروی کار اولیه را خدمتکارانی تشکیل می‌دادند که برای ورود به آمریکا، به اسارت موقت تن داده بودند. این نیروها تدریجاً در شمال با کارگران مزدی (که شامل کار کودکان و کار اجباری زندانیان نیز می‌شد) و در جنوب با بردگان جایگزین شدند. سیستم سرمایه داری، ایدئولوژی پیروزمند در جنگ داخلی، به بردگی عربان و رسمی پایان داد و "آزادی" مبتنی بر سیستم مزد را به جای آن نشانده. مناسبات بین کارگر و کارفرما شکل ظریف تری از اسارت بود که در آن کارگران خود را برای دوره‌های زمانی معین و تحت شرایط مشخص به کارفرما اجاره می‌دادند. این سیستم شامل اشکال دیگری چون مقاطعه کاری، کشت اشتراکی، کشت اجاری و اشکال مختلف قرارداد کار می‌شد. فقر، آن مکانیزم اجتماعی‌ای بود که افراد کافی را برای این "اسارت موقت" وادار می‌کرد. سیل بی پایان مهاجران به آمریکا، هدیه به ظاهر پایان ناپذیری به سیستم از قربانیان داوطلب بود؛ و جنبش اتحادیه‌ای نوعی از شورش بردگان مزدور.

در دهه‌های پس از جنگ داخلی، برپائی تعاونیهای کارگری به استراتژی عمومی جنبش کارگری تبدیل شده بود. سازمان *شوالیه‌های کار* همزمان با مبارزه برای دستمزدهای بالاتر و شرایط کاری بهتر، همچنین می‌کوشید زنجیره وسیعی از تعاونیها را ایجاد کند. ماموریت این تعاونیها این بود که آنچه را که "بردگی مزدی" می‌نامیدند لغو، و دموکراسی محل کار را، که تعاون مشترک المنافع نام گرفته بود، جایگزین نظام دستمزدی سرمایه داری کنند. این مفهوم به موازات رشد جنبش سوسیالیستی در همان دوره، که مضموناً با آن مرتبط بود، به طور خودکار در آمریکا پدید آمد. ایده تعاون مشترک المنافع بر انجمن آزاد شرکتها در اقتصاد بازار استوار بود، که در آن دولت به وظایف زیربنایی و خدمات عمومی، مانند نگهداری و مدیریت سیستم‌های آب، جاده‌ها، راه آهن و غیره را به عهده دارد. این ایده با ایده سوسیالیسم، به این معنا که دولت کل اقتصاد را با همه کارگران به عنوان کارمندان دولت اداره کند، اساساً متمایز بود. ایده تعاون مشترک المنافع یک ایده جفرسونی بود.

از مبارزه معلمان و فرهنگیان برای اجرای رتبه بندی و آزادی معلمان زندانی حمایت کنیم!

اختراع دوباره چرخ چرا؟

صادق



قبل از طرح نقد خودم لازم می دانم همانطور که در جلسه هم گفتیم بگویم به رغم اینکه سندیکا و اتحادیه را مناسبترین طرف تشکل می دانم که پیشتر تاریخی ۱۵۰ ساله دارد و در طول زمان توانسته است خودش را با نیازهای روز انطباق دهد. با هیچ نوع تشکل کارگری دیگری که توسط کارگران تشکیل شده باشد، مشروط به اینکه مستقل و دمکراتیک باشد و از حقوق کارگر دفاع کند مشکلی ندارم. طرح این نظرات را هم از این رو لازم می دانم که فکر می کنم رها کردن تجربیات و نتایج مثبت جنبش جهانی کارگری در خصوص تشکل از نظر من اتلاف وقت و بقول معروف تلاش برای اختراع دوباره چرخ است. موضوع نقد من در این نوشته متوجه دیدگاهی است که مجمع عمومی را تشکل فرض می کند و آن را آلترناتیو تشکلهای پایدار می داند.

چند شب پیش، بحثی در یکی از اتاقهای کلاب هواس بین چهارتن از فعالین و رهبران تشکلهای سندیکایی و کارگری حول تشکل مطلوب صورت گرفت. گردانندگان اتاق کارگری که امکان جلسه گفت و شنود را فراهم کرده بودند، از رضا شهابی و علی نجاتی از رهبران سندیکاهای شرکت واحد و هفت تپه، جعفر عظیم زاده از رهبران اتحادیه آزاد کارگران و میثم ال مهدی، دعوت کرده بودند به عنوان مهمان سخنران در جلسه سخنرانی و بحث و تبادل نظر کنند. موضوع بحث هم، "نقد و نظر در مورد تعاریف و مفاهیم اتحادیه، شورا، سندیکا، مجمع عمومی و ضرورت تشکل یابی کارگران" بود.

در این جلسه هر یک از شرکت کنندگان نظرات شان در مورد تشکل مطلوب و چگونگی پاسخ به ضرورت تشکل یابی بیان کردند. سپس به شرکت کنندگان فرصت اظهار نظر و سوال از سخنرانان داده شد که آنها نیز به سوالات و نقدها پاسخ دادند.

در واقع بحث اصلی حول این که کدام تشکل در شرایط موجود ظرف مناسبتر و عملی تری است بود.

رضا شهابی که سابقه فعالیت سندیکایی داشتند، بطور کلی در عین حال که بیشتر تمرکز صحبت هایشان روی سندیکا بود، معتقد بودند مخالفتی با هیچ نوع تشکل کارگری دیگری ندارند و ضرورتی در این کار نمی بینند.

جعفر عظیم زاده و میثم ال مهدی که اولی سابقه فعالیت اتحادیه ای دارد و دومی سابقه فعالیت در اعتصابات فولاد اهواز بیشتر تمایلاتشان با تمایزاتی به مجمع عمومی بود، برای من نظرات هیچکدام ناشناخته نبود، اما آنچه موجب



تعجب ام شد نظرات آقای عظیم زاده بود. ایشان که خودشان رهبر یک اتحادیه هستند نفهمیدم چرا از مجمع عمومی بعنوان تشکل و شورا دفاع می کنند. اشکال من متوجه قسمت بحث ایشان به شورا نیست، به طرح مجمع که شامل نظر میثم ال مهدی و دوستان دیگری. عمومی نه بعنوان نهاد تشکیل تشکل، بلکه به عنوان تشکل است. که در این جلسه از این ایده دفاع می کردند هم می شود

اما قبل از طرح نقد خودم لازم می دانم همانطور که در جلسه هم گفتم بگویم به رغم اینکه سندیکا و اتحادیه را مناسبترین ظرف تشکل می دانم که پشتوانه تاریخی ۱۵۰ ساله دارد و در طول زمان توانسته است خودش را با نیازهای روز انطباق دهد. با هیچ نوع تشکل کارگری دیگری که توسط کارگران تشکیل شده باشد، مشروط به اینکه مستقل و دمکراتیک باشد و از حقوق کارگر دفاع کند مشکلی ندارم. طرح این نظرات را هم از این رو لازم می دانم که فکر می کنم رها کردن تجربیات و نتایج مثبت جنبش جهانی کارگری در خصوص تشکل از نظر من اتلاف وقت و بقول معروف تلاش برای اختراع دوباره چرخ است. موضوع نقد من در این نوشته متوجه دیدگاهی است که مجمع عمومی را تشکل فرض می کند و آن را آلترناتیو تشکلهای پایدار می داند

چرا مجمع عمومی تشکل نیست

مجمع عمومی نهاد تاسیس و تصویب اساسنامه، اهداف و انتخاب کسانی است که بایستی تصمیمات مجمع را برای مدتی که اساسنامه تعیین می کند به عهده بگیرند. هم از این رو مجمع عمومی تشکل نیست. ولی هر تشکل دمکراتیکی اعم از اینکه، سندیکا و شورا و غیره باشد اعتبار و مشروعیت اش را از مجمع عمومی می گیرد و بایستی مجری تصمیمات مجمع عمومی باشد. خود مجمع نیز برای اینکه نظامی در تصمیم گیری داشته باشد و بتواند به دستور کارش رسیدگی کند به یک هیئت رئیسه موقت که عمر آن به اندازه طول جلسه است نیاز دارد. هزار کارگر یا بیشتر و کمتر منطقاً و به تجربه نمی توانند آنطور که یکی از مدافعان مجمع عمومی در جلسه گفت سر هر موضوعی در هر حال و شرایط اجتماع کنند و تصمیم بگیرند. آنان باید عده‌ای را برای پیشبرد اهداف شان از بین خود انتخاب کنند و در صورت نارضایتی از عملکرد منتخبین خود آنان را طبق قوانندی که در اساسنامه در نظر گرفته شده عزل و بر کنار کنند

مجمع عمومی در ذات خود ضد ساختار و انحلال طلبی است

بر خلاف نظرات مدافعان مجمع عمومی که تصور می کنند مجمع عمومی تشکیلاتی رادیکال و کارآمدتر و دمکراتیک تر از ساختارهای سندیکایی است، چنین نیست. مجامع عمومی در ذات خود در عمل ضد ساختارهای دمکراتیک قاعده مند هستند که به جای ایجاد در نهایت به انحلال و بی نتیجه ماندن مبارزات واز دست رفتن ثمرات مبارزات منتج می شود

طبقه کارگر برای رسیدن به خواسته و دفاع از حقوق و تغییر شرایط اجتماعی و بهبود و ارتقا آن در هر حال و شرایط به سازمانهای نیرومند اتحادیه‌ای با دیسیپلین نیاز دارد. بدون سازمان ثابت و پیگیر کارگر اگر امتیازاتی با اعتصاب و مبارزه بتواند از سرمایه دار بگیرد، به محض فروکش کردن و سرکوب مبارزات آنها را از دست خواهد داد. تجربه همه عالم و تجربه جنبش کارگری این واقعیت را به ما می گویند

در چند کشور مجامع عمومی بعنوان تشکل وجود دارد؟

من دقیقاً اطلاع ندارم که آیا تشکلی به نام مجمع عمومی در جایی وجود دارد یا نه. ولی اگر چنین تشکلی وجود هم داشته باشند، باید بسیار نادر و نا محسوس باشند. در خود ایران هم چنین تشکلی وجود نداشته است. هر چه بوده سندیکا و شورا و کمیته های اعتصاب بوده‌اند که آنها هم نه خود مجمع عمومی بلکه منتخبین مجامع عمومی بوده‌اند. در اکثر کشورها هم تشکل غالب اتحادیه ها بوده و هستند. دوستان مدافع مجمع عمومی باید ملتفت باشند که جنبش های کارگری در کشورهای صنعتی پیشرفته سابقه مبارزاتی و تجربه به مراتب بیشتری از ما دارند اگر به این نتیجه می رسیدند که مجمع عمومی ظرف تشکل بهتری است تا حالا آنها را کشف و جایگزین سندیکاها کرده بودند

فرق است بین تجمع های اعتصابی با مجامع عمومی

بعضی دوستان تجمع های اعتراضی را که برای یک یا چند خواست صنفی بوجود می آیند با مجامع عمومی یکی می گیرند. برای نمونه دوست عزیز میثم ال مهدی از سازمانگران اعتصابات فولاد اهواز در همین جلسه و در واکنش به یکی از حاضرین که از میثم با عنوان نماینده ۵ هزار کارگر فولاد نام برد، گفت من نماینده کسی نیستم. یک نفر از آن ۵ هزار تن هستم. بعد هم طوری توضیح داد که تجمع اعتصابیون در فولاد گویا از نظر ایشان همان مجمع عمومی



به مثابه تشکل بوده است. اگر استنباط من از صحبت های میثم درست باشد، در آن صورت می توانم از میثم بپرسم راستی از آن تشکل چه خبر؟ چه کرده و چه میکند؟ بله فرق یک تجمع صنفی با مجمع عمومی در این است که اولی مطالباتی است، دومی به منظور سندیکا، شورا و هر نهاد ساختار مند ادامه دار دیگری تشکیل شده است.

مادامی که ما در جوامع سرمایه داری و به زعم من حتی در جامعه ی سوسیالیستی زندگی و کار می کنیم مجبور به مذاکره بر سر حقوق و مطالبات مان با کارفرمایان چه دولتی و چه خصوصی هستیم. فرض کنیم ۱۰ هزار کارگر برای افزایش دستمزد در چند موسسه مختلف یا در یک رشته معین دست به اعتصاب بزنند و بخواهند بر سر آن با کارفرما مذاکره کنند. در این صورت همه این ۱۰ هزار نفر به فرض اینکه در یک مجمع مشترک هم جمع شده باشند، امکان پذیر نیست که همه آنان در مذاکره شرکت کنند. در این صورت یا باید چند نفر را همین جمع کثیر از میان خود انتخاب کنند که این هم بسیار دشوار است، یا سندیکا و تشکلی باشد که آنها را نمایندگی کند. در اروپا و بعضی کشورهای اروپایی معمولاً اتحادیه ها وقتی ببینند اعتراض قابل توجهی با نتیجه توافقات شان با کارفرمایان در بین اعضای شان وجود دارد، نتیجه را به رای اعضا می گذارند و نتیجه را هر چه باشد ملاک قرار می دهند. اتحادیه ها در این کشورها در همه زمینه ها نقش اساسی در دفاع از حقوق زحمتکشانشان دارند و تا کنون ساختار تشکیلاتی دیگری که بتواند جای اتحادیه ها را بگیرد وجود نیامده است.

عملکرد سندیکاهای غیر دولتی در ایران هم از نظر من بسیار مثبت و تحسین بر انگیز و قابل دفاع است. طبقه کارگر ایران هم هرچه بدست آورده عمدتاً نتیجه فعالیت سندیکاهای غیر دولتی است و هر چه را از دست داده نیز نتیجه سرکوب و غیبت سندیکاها است.

دوستی در جلسه گفت، از این اعتصابات که من در خوزستان می بینم سندیکا در نمی آید. اما ایشان فراموش کرد در جلسه ای که نشسته یکی از رهبران سندیکایی حضور دارد که سندیکای اش از دل مبارزات در خوزستان درآمده و همین سندیکا سر سلسه جنبان اعتصابات هفت تپه بوده است. او همچنین از یاد برد که چندین تشکل سندیکایی مدتهاست از دل مبارزات معلمان در شهر های مختلف سر بر آورده اند، که صفت بوروکرات بودن را با یک من سیریش هم نمی توان به آنها چسباند. اما نگفت چند تشکل غیر سندیکایی در خوزستان از دل اعتصابات سر بر آورده اند. من فرق زیادی بین شوراهایی که در این مقطع می تواند از میان اعتصابات سر بر آورند با سندیکاهایی که می توانند در همین فضا شکل بگیرند، نمی بینم. اما فکر می کنم اگر شوراها بتوانند در شرایط موجود در خوزستان شکل بگیرند، سندیکا ها هم قطعاً می توانند. اختلافی من بر سر شورا و سندیکا ندارم و هر جا هر کدامشان درست شود موجب خوشحالی همه ما باید باشد. جنبش کارگری به اندازه کافی از قطب بندی کاذبی که بر سر شورا بهتر است یا سندیکا توسط بعضی از گروه های سیاسی در سالهای نخست به آن تحمیل شد هنوز دارد تاوان پس می دهد. امیدوارم این تجربه را ما دوباره تکرار نکنیم و بجای اینکه بگوییم کدام یک بهتر است و کدام یک بدتر انتخاب را به خود کارگران واگذار کنیم

پیش بسوی ایجاد هماهنگی بین اعتصابات کارگری و اجتماعی!

از مبارزات کارگران و مزبگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



ادامه اعتراضات کارگران "معادن سرب و روی گوجهر" در راور کرمان

اعتراضات کارگران معدن سرب و روی گوجهر در پی خلف وعده کارفرما بعد از چند هفته اعتصاب همچنان ادامه دارد. کارگران که پس از چند هفته اعتصاب همزمان با کارگران معادن ذغال سنگ با وعده افزایش ۳۰ درصد به دستمزدهای شان به سر کار بازگشته بودند، پس از امتناع کارفرما از عملی کردن افزایش دستمزد، اعتراض شان را از سر گرفتند. مطالبات برخورداری "کارگران معدن رفع تبعیض مزدی، افزایش دستمزد برابر با کارگران معادن دولتی، اجرای طبقه بندی مشاغل و از امنیت شغلی، رفع مشکل قراردادهای ۸۹ روزه آزمایشی، صدور فیش حقوقی ماهیانه، پرداخت نکردن حق تونل و "سختی کار و نبودن امکانات رفاهی از دیگر مطالبات کارگران معدن سرب و روی گوجهر در راور کرمان است.

پاسکاری کارگران شهرداری کوه عبدالله توسط مسئولین همچنان ادامه دارد

اعتراضات و شاکایات متعدد کارگران شهرداری کوه عبدالله به مسئولین با وجود گذشت چند ماه برای پرداخت مطالبات مزدی و حق بیمه شان به جایی نرسیده و مسئولین نهادهای دولتی و قضایی همچنان مشغول پاسدادن کارگران به همدیگر هستند. دستمزد و حق بیمه کارگران از تیر ماه به این سو کامل و منظم پرداخت نشده اند. خواست کارگران پرداخت منظم و به موقع دستمزد و حق بیمه است. به نوشته خبرگزاری ایلنا در ۱۲ آبان ماه، کارگران اینک شکایت به قوه قضائیه و شورای شهر برده اند و منتظر نتیجه هستند.

سایه سنگین اعتصاب بر سر شرکتهای نفتی

اعتصاب و اعتراض در شرکتهای پیمانکاری نفتی همچنان استمرار دارد. در این هفته نیز بنا به گزارش کانال تلگرامی "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی" چند اعتصاب و اعتراض در این شرکتها با انگیزه های کم و بیش همانند رخ داد.

گزارش از این اعتراضات را که در کانال شورای سازماندهی در این هفته منتشر شده اند را در پائین ببینید ۳

تجمع همکاران اورهال ما در پالایشگاه پارسیان مهر

صبح روز چهارشنبه ۱۲ آبان همکاران اورهال ما در پالایشگاه پارسیان مهر در اعتراض به عدم دریافت مطالبات خود بار دیگر در مقابل پالایشگاه تجمع کردند. کارگران خواستار پرداخت حقوقها در هر ماه بطور منظم و طلبهای مزدی خود هستند.

تداوم اعتصاب کارگران پتروشیمی رازی

روز دوشنبه دهم آبانماه همکاران ما در پتروشیمی رازی برای چندمین روز متوالی در اعتراض به خلف وعده های داده شده از سوی مدیران دست به اعتصاب زدند. این کارگران بر روی خواستههای فوری ای چون تخصیص پاداش و مزایای رفاهی متناسب با منطقه، افزایش کیفیت وعده های غذایی، بروزرسانی طرح طبقه بندی مشاغل و بیمه تکمیلی تاکید



دارند. افزایش حقوقها مطابق ارقام اعلام شده خود کارگران و پرداخت بموقع آن و تسویه حساب طلب کارگران در هرکجا که پرداخت دستمزدها به تعویق افتاده است و در همین راستا اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و بهبود سطح دستمزدها، ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی، بهبود وضعیت خوابگاهها و غذا در سطح قابل قبول، ایمنی محیط کار و پایان دادن به فضای امنیتی محیط های کاری از جمله مطالبات اعلام شده کارگران نفت در مراکز مختلف نفتی است. کوتاه شدن دست پیمانکاران خواست سراسری کارگران در نفت است

دومین روز تجمع همکاران ما در مجتمع پتروشیمی آبادان

امروز یکشنبه ۹ آبان جمعی از همکاران ما در پتروشیمی آبادان برای دومین روز در اعتراض به عدم تحقق مطالباتشان و خلف وعده ها در محوطه شرکت تجمع کردند. افزایش دستمزدها و اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل، داشتن امنیت شغلی و بازگشت به کار ۴ نفر از همکاران اخراجی از جمله مطالبات کارگران هستند

استمرار اعتراضات معلمان در تهران و چند شهر دیگر

گروه کثیری از معلمان و فرهنگیان کشور در ۸ آبان ماه بار دیگر با تجمع مقابل مجلس خواستار اجرای طرح رتبه بندی و قانون مدیریت خدمات کشوری برای بازنشستگان شدند. همچنین تجمعات مشابه دیگری توسط معلمان با همین خواسته ها در چند شهر دیگر برگزار شد

کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان در گزارشی که در این خصوص منتشر کرد نوشت

جمع فرهنگیان استانهای فارس، خوزستان، قم، سیستان و بلوچستان، اصفهان، کهگیلویه و بویر احمد، ۸ آبان ماه "۱۴۰۰ در اعتراض به وضعیت آشفته ی آموزش و پرورش کشور در جلوی مجلس و سازمان برنامه و بودجه برگزار شد

گفتنی است که در هفته گذشته رئیس کمیسیون بودجه مجلس شرایط تازه ای برای اجرای رتبه بندی اعلام کرد که در واقع حاکی از عدم تمایل مجلس برای تصویب قانون رتبه بندی واقعی است. امتناع نمایندگان مجلس فرمایشی و دولت از اجرای رتبه بندی معلمان با وجود اعتراضات متعدد و پیایی فرهنگیان راه دیگری به غیر از توسل به اعتصاب سراسری معلمان و تشدید اعتراضات آنان باقی نمی گذارد

کارگر قرارداد موقت در شرکتهای نفتی خواستار تبدیل وضعیت از موقت به معین شدند ۳۴۰۰

اعتراض علیه قراردادهای موقت کار در شرکتهای و موسسات تولیدی و خدماتی روز به روز بیشتر می شود و کارگران و کارکنان قراردادی و پیمانی در همه جا خواهان از میان برداشتن قراردادهای موقت اسارتبار که امنیت شغلی، اجتماعی و خانوادگی را از آنان سلب کرده می شوند

با این وجود کارفرمایان که از بابت قراردادهای موقت سودهای کلان و مضاعفی به جیب می زنند، با حمایت دولت و دیگر نهادهای حکومتی تن به این خواست به حق زحمتکشان نمی دهند. هم اکنون ۹۷ درصد کارگران از جمله تعداد زیادی از کارگران نفت با قرارداد های موقت کار می کنند. طعم شیرین قراردادهای موقت در دهان کارفرمایان آنقدر زیاد است که این جماعت حتی در مواردی که قانون در برخی شرکتهای آنان را مکلف به تغییر قراردادهای موقت به معین نموده نمی دهند. شکایت ۳۴۰۰ کارگر قراردادی به وزیر نفت یکی از این موارد است. مطابق تصویب نامه ی هیئت وزیران مدتها پیش قرار بوده این کارگران قرار دادهایشان تغییر کند، اما هنوز این مصوبه به اجرا گذاشته نشده است

روایت ایلنا به نقل از کارگران را ببینید

"به گزارش ایلنا، در کارزار کارکنان مدت موقت وزارت نفت که خطاب به «جواد اوجی» وزیر نفت تنظیم شده، آمده است

به استحضار جنابعالی می رساند، ۳۴۰۰۰ کارمند قرارداد موقت مطابق تصویب نامه هیئت وزیران به شماره ۳۴۷۱/ت/۴۷۶۴۲ مورخ ۰۱/۱۱/۹۰ با قرارداد مستقیم با وزارت نفت تبدیل وضعیت به مدت موقت شدیم در حالی که طبق بند ۶ مصوبه تبدیل وضعیت می بایست به قرارداد مدت معین تبدیل وضعیت می شدیم

در ادامه در تاریخ ۲۱/۰۳/۹۷ مطابق مصوبه ۱۳۶ شورای اداری استخدامی کار صنعت نفت از شمول قانون کار خارج و تابع "آیین نامه های اداری و استخدامی صنعت نفت شدیم اما متأسفانه آیتهم های کارکنان صنعت نفت به ما پرداخت نمی شود

استمرار اعتراضات در مترو تهران

کارگران بخش خدمات متروی تهران که برای یک شرکت پیمانکاری کار می کنند در ۹ آبان ماه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی و حق بیمه شان در ایستگاه متروی صادقیه تجمع و خواهان پرداخت منظم و به موقع دستمزد، حق بیمه و دیگر آیتهم های مزدی شان شدند. دستمزد کارگران ۳ ماه است به آنان پرداخت نشده است. دو ماه حق بیمه سال گذشته و حق سنوات آنان در دوسال گذشته نیز به آنان داده نشده است. کارگران گفتند پرداخت نا منظم و با تاخیر



مطالبات مزدی شان تنظیم زندگی شان را مشکل و امکان ناپذیر کرده است. هفته گذشته نیز کارگران خط ۴ در شرکت . بهره‌برداری مترو به دلیل مشابه‌ای تجمع کردند. پاره‌ای خبرها نیز حاکی از اعتراضات دیگری در خطوط دیگر مترو است

اعتصاب دستیاران تخصصی بیمارستان امام حسین

به گزارش کانال تلگرامی اتحاد بازنشستگان

روز شنبه ۸ آبان دستیاران تخصصی بیمارستان امام حسین بنابر اعلام قبلی و در اعتراض به وضعیت نامساعد معیشتی " و رفاهی خود دست به اعتصاب زده و کلیه اقدامات درمانی الکتیو بیمارستان را تعلیق کردند

روز گذشته نامه‌ای در این زمینه از سوی دستیاران منتشر شده بود و چنین تصمیمی از سوی اکثریت دستیاران این مرکز "گرفته شده است تا شاید صدای اعتراض ایشان به گوش مسئولین وزارت بهداشت برسد

تجمع و اعتراض کارگران روغن نباتی گلنار

کارگران کارخانه روغن نباتی گلنار در ۸ آبان ماه به نوشته ایلنا در اعتراض با مرخصی اجباری، کسر دستمزد و قراردادهای موقت یک ماهه تجمع کردند. کارگران از اینکه هر ماه با وجود داشتن قرارداد یک ماهه به یک تا دو هفته در ماه به مرخصی اجباری بدون حقوق فرستاده می‌شوند و مرخصی شان غیب زده می‌شود نیز اعتراض دارند

رعایت نکردن قانون کار، عدم پرداخت اضافه کار، پرداخت نشدن حق شیفت، کاهش میزان تولید، عقد قراردادهای "کوتاه‌مدت یک‌ماهه و بی‌توجهی به مشکلات کارگران از مهم‌ترین مسائلی است که کارگران به آن اعتراض دارند

کارفرما علت به مرخصی اجباری فرستادن ۳۰۰ کارگر کارخانه را کمبود مواد اولیه ذکر کرده است. کارگران اما این ادعای کارفرما را رد کرده و گفته‌اند سهمیه مواد اولیه مرتب به کارخانه داده می‌شود. این کارخانه سال گذشته به بخش خصوصی واگذار شده و قبل از واگذاری ۱۴۰۰ نفر در آن کار می‌کردند

اعتراض به مجوز واگذاری بانک رفاه کارگران

مجلس و دولت دست در دست هم زیر پوشش خصوصی سازی مشغول غارت اموال تامین اجتماعی و نهادهای اقتصادی و رفاهی کارگران هستند. از یک طرف به دروغ وعده پرداخت بخشی از دیون انباشته شده دولت به تامین اجتماعی را می‌دهند، از سوی دیگر برای فروش موسسات متعلق به کارگران و هزینه کردن پولهای آنها برای جبران کسری بودجه دولت نقشه می‌کشند

کارها را نیز چنان بی‌سر و صدا و با چراغ خاموش پیش می‌برند که فرصت اعتراض به کسی ندهند. متأسفانه از آنجا که پیامدهای منفی این واگذاری روی تامین اجتماعی در پرده مانده‌اند، واکنش‌ها به آن هم در حدی که دولت را از این کار باز دارد نیست

اعتراضات اندکی نیز که صورت می‌گیرد به شکلی نیست که بتواند نیرو برای جلوگیری از آن بسیج کند. اعتراض قانون عالی کارمندان بازنشسته مشمول قانون تامین اجتماعی از جمله این اعتراضات است. این تشکل بجای اینکه برای جلوگیری از خصوصی سازی بانک رفاه، کارگران و بازنشستگان را خطاب قرار دهد و یا در فکر بسیج آنان برآید، در بیانیه خود که در این هفته منتشر کرد از سردار قالیباف خواست جلوی این کار را بگیرد! گویا نمی‌داند رئیس مجلس فرمایشی خودش از حامیان پرو پاقرص واگذاری بانک رفاه است. فعالین کارگری وظیفه دارند برای جلوگیری از غارت بخش دیگری از سرمایه کارگران تلاشهای لازم را به عمل آورند. یکی از پیامدهای بلافصل فروش سهام بانک رفاه اخلاص در پرداخت منظم حقوق های بازنشستگی است. با برجسته کردن همین موضوع می‌شود بازنشستگان را برای اعتراض بسیج کرد

بیانیه اعتراضی کانون صنفی معلمان تهران به پرونده سازی برای جعفر ابراهیمی

کانون صنفی معلمان تهران با صدور بیانیه میسوطی نسبت به صدور احکام احتمالی تازه برای جعفر ابراهیمی از رهبران تشکلهای صنفی معلمان واکنش نشان داد و ضمن اعتراض به محاکمه این فعال صنفی پر تلاش خواهان پایان دادن به محاکمات و پرونده سازی علیه او و توقف پیگرد فعالین صنفی و آزادی معلمان زندانی شد

در قسمت هایی از این بیانیه که در کانال تلگرامی تشکلهای صنفی معلمان منتشر شد گفته می‌شود

جعفر ابراهیمی از این دست کنش‌گران است که در راستای تامین عدالت اجتماعی، تامین آموزش رایگان و با کیفیت، " فعالیت آزاد و مستقل نهادهای مدنی تلاش‌های فکری و اجتماعی می‌کند و از همین رو با احضارها، متهم سازی‌ها و پیگردهای مختلف و پرونده سازی روبرو بوده و اکنون در آستانه تشکیل دادگاه و محکومیت احتمالی است که مطمئناً با هدف محدود نمودن شخص او و ایجاد هراس از ورود به فعالیت‌های مدنی از جانب معلمان و کنش‌گران در عرصه‌های دیگر است، آن هم در شرایطی که ناظران اجتماعی بیطرف و حتی در درون دستگاه حکومتی، پیش‌بینی می‌کنند که جامعه به



دلیل شدت فشارهای اقتصادی، اجتماعی، دچار نابسامانی های متعدد بوده و آستانه تحمل آن برای ورود فشارهای بیشتر به مرزهای پایانی رسیده است؛ تکرار روش های غلط گذشته از قبیل پرونده سازی برای فعالان، نه تنها کارساز نیست، که جز با ایجاد تغییرات بنیادی در سیاست گذاری ها نتایجی کاملاً وارونه برای سیاستگذاران خواهد داشت... کانون صنفی معلمان ضمن اعلام پشتیبانی و حمایت قوی از این عضو فعال خود، خواهان مختومه اعلام نمودن پرونده تمام فعالان مدنی و صنفی از جمله جعفر ابراهیمی و بازگشت طراحان این اقدامات به قانون، عدالت محوری به معنای واقعی "کلمه و تعهد به رعایت آزادی ها و حقوق ملت دست کم در چارچوب همین قوانین موجود می باشد

اعتصاب کارگران پتروشیمی کوه مبارک در جاسک

کارگران پروژه ای شرکت پتروشیمی کوه مبارک جاسک در ۸ آبان در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان و امتناع کارفرما از بیمه کردن کارگران دست به اعتصاب زدند. کارگران اعلام کردند تا خواسته های به حق شان پرداخت نشود به اعتصاب شان ادامه خواهند داد

درگیری میان مدیریت و کارگران در ماشین سازی تبریز

در این هفته کارگران ماشین سازی تبریز که نسبت به استخدام بدون تأیید سهامداران توسط مدیریت معترض بودند، مدیر عامل و تعدادی از اعضای هیئت مدیره کارخانه را بعنوان اعتراض به استخدام ۱۰۰ نیروی جدید از دفاتر شان بیرون کردند. علت اعتراض کارگران به استخدام این افراد دقیقاً معلوم نیست. اما به نظر می رسد یا به دلیل پارتی بازی بوده است و یا نگرانی کارگران از افزایش هزینه مالی و ایجاد مشکل برای ادامه کاری کارخانه. بهر حال به نظر می رسد قضیه علی الحساب خاتمه یافته است. گفتنی است که کارخانه ماشین سازی در اثر اعتراضات کارگران و تخلفات و فساد مالی هنگام واگذاری آن و نداشتن صلاحیت خریدار سال گذشته به دولت برگردانده شده. یکی از نگرانی کارگران این است که مدیریت وضعی را بوجود آورد که بهانه ای شود برای واگذاری دوباره کارخانه به بخش خصوصی

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر

در ۹ آبان بار دیگر تعداد کثیری از بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به امتناع دولت از اجرای واقعی همسان سازی، عدم افزایش حقوق بازنشستگی و چند خواسته دیگر در مقابل مراکز تامین اجتماعی در شهرهای تهران، مشهد، اهواز، رشت ... تجمع کردند. بازنشستگان معترض و خشمگین از بی تفاوتی دولت نسبت به وضعیت خود، خواهان افزایش حقوق های بازنشستگی بالاتر از خط فقر، بیمه درمانی رایگان و پرداخت بدهی های دولت به سازمان تامین اجتماعی شدند.

از مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق بازنشستگی و بیمه درمانی رایگان حمایت کنیم!

از مبارزه معلمان و فرهنگیان برای اجرای رتبه بندی و آزادی معلمان زندانی حمایت کنیم!



دولت موظف است معیشت تهی دستان و آسیب دیدگان از کرونا را تامین کند!



با پیگرد سندیکاها و تشکلهای کارگری و فعالین سندیکایی مبارزه کنیم!
برای آزادی کارگران، معلمان و زندانیان سیاسی مشترکا مبارزه کنیم!

*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

sabosob@gmail.com

*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را
می‌توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>